

بحثی پیرامون قاعده تسبیب و کاربرد آن در حقوق ایران

دکتر محمد کاظم عمادزاده

دانشیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان

چکیده

طبق قاعده 'لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام' و به موجب قاعده عقلی کسی که باعث ورود خسارت به دیگری می‌شود مسؤول جبران آن است و در قانون مدنی ایران به تبعیت از فقه امامیه مسؤولیت ناشی از جرم تحت عناوین اتلاف و تسبیب مورد بحث واقع می‌گردد. لذا در ماده ۳۲۸ قانون مذکور می‌خوانیم هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد، اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص آن مال است و در ماده ۳۳۱ همین قانون بدون اینکه از تسبیب تعریفی به عمل آمده باشد چنین بیان گردیده است که هر کس سبب تلف مالی بشود باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد باید از عهده نقص قیمت آن برآید. بدین ترتیب در مقاله حاضر سعی بر آن است تا ضمن بیان مختصر مسائل مربوط به این عناوین مرز میان اتلاف و تسبیب مشخص و معیاری برای تمیز ماهیت تسبیب ارائه شود.

مقدمه

قانون مدنی ایران مبحث سوم فصل دوم از باب دوم جلد اول خود را به قاعده

تسبیب" اختصاص داده است و در ماده ۳۳۱ بدون اینکه آن را تعریف کند می گوید "هر کس سبب تلف مالی بشود باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد باید از عهده نقص قیمت آن برآید". لذا از آنجا که یک طرف، قانونگذار تعریفی از تسبیب به عمل نیاورده و حد آن در برابر اتلاف تعیین ننموده است و از طرف دیگر، فقه هم در این خصوص وضع مشابهی را دارد و به علاوه مسأله تسبیب، یکی از موضوعات مهم و قابل توجه در علم حقوق و از موجبات ضمان قهری است، بر آن شدید تا به اختصار اهم مسائل مربوط به آن را در این مقاله مورد بحث قرار دهیم.

تعریف

سبب در لغت به معنی ریسمان و هر چیزی است که توسط آن بتوان به مقصود رسید.^(۱) در علم اصول فقه سبب عبارت است از چیزی که هرگاه مانعی به آن اصابت نکند باعث وجود چیزی شود.^(۲) چنانکه آتش سوختن و نکاح موجب ارث است. گاهی موضوعات مقررات را نسبت به خود آن مقررات سبب می نامند.^(۳)

در کتاب مختصرالنافع سبب یا تسبیب چنین معنی شده است: سبب ایجاد چیزی است که اگر نبود جرم واقع نمی شد ولی علت وجود جرم نیست مثلاً سبب تلف شدن کسی یا شکستن عضو او، ایجاد چیزی است که اگر ایجاد نشده بود، آن کس تلف نمی شد، یا عضو او نمی شکست. ولی البته علت برای مرگ او یا شکست عضو او نیست. چنانکه یکی از موارد تسبیب کردن چاه در راه عمومی مردم است پس اگر کسی در چاه افتاد و دست و پایش شکست یا مرد علت شکستن دست و پای او یا مرگ او وجود چاه نیست بلکه علت سرنگون شدن او در چاه است.^(۴)

این است که در تعریف سبب گفته می شود: "هر چیزی که از وجود آن وجود چیز دیگر لازم نباید ولی از عدم آن، عدم چیزی دیگر لازم آید" (مایلزم من وجوده الوجود و من عدمه العدم). پس اگر شخصی در کنار کشتزاری آتش برافروخت تا غذا طبخ کند و دامنه

آتش به کمک باد به کشتزار سرایت نمود و موجب طعمه حریق شدن کشتزار گردید با آنکه اگر شخص برای طبخ غذا آتش درست نمی‌کرد، کشتزار هم آتش نمی‌گرفت ولی در عین حال وجود آتش مستلزم ایجاد حریق و بروز آتش‌سوزی هم نیست و در این میان وجود باد هم مؤثر بوده است.

فرق میان علت و سبب

در مقابل "سبب"، "علت" است که در لغت به معنی اسم چیزی است که اگر بر امری عارض شود، حالت آن را بطور بی‌اختیار تغییر می‌دهد و در اصطلاح عبارت از چیزی است که وجود شیئی متوقف بر آن است یعنی هر گاه رابطه میان دو چیز طوری باشد که از وجود چیزی، چیز دیگری و از عدم آن چیز عدم چیز دیگری لازم آید، آن را علت تامه نامند. بنابراین علت "امری است که به محض وقوع آن چیز دیگری، بدون اینکه تأخیری رخ دهد به دنبال آن واقع شود و آن چیز دیگر را "معلول" گویند. مثلاً قصد انشاء علت ایجاد یک یا چند اثر حقوقی است. به همین جهت می‌گویند بین انشاء و اثر آن، یک آن هم فاصله واقع نمی‌شود. از نظر حقوقی علت عبارت است از هدف مستقیمی که برای وصول به آن شخص خود را متعهد کند. فی‌المثل اجرای تعهد در عقدی که برای طرفین ایجاد تعهد کند، علت عقد محسوب است.^(۵)

اهل نظر از دو جهت میان علت و سبب فرق گذارده‌اند. اول اینکه سبب چیزی است که شیء در کنار آن به وجود می‌آید نه توسط آن. اما علت چیزی است که شیء توسط آن ایجاد می‌شود. دوم اینکه معلول بدون شرط و واسطه از علت خود به وجود می‌آید، در حالی که سبب با شرط و واسطه موجب پیدایش شیء می‌شود. به همین جهت حکم آن معلق می‌ماند تا اینکه شرایط لازم فراهم، و موانع برطرف گردد. اما تعلیق حکم شامل علت نمی‌شود. زیرا علیت آن مشروط به شرطی نیست؛ بطوری که هر جا و هر وقت موجود شد، معلول موجود می‌شود. معنی این سخن این است که سبب اعم از علت است زیرا هر علتی

سبب است. سبب به تام و غیر تام تقسیم می‌شود. سبب تام سببی است که وجود آن موجب ایجاد مسبب گردد که مترادف علت است. سبب غیر تام سببی است که وجود مسبب متوقف بر آن است اما به صرف موجودیت سبب، مسبب موجود نمی‌شود.^(۶)

موجبات ضمان

اصولاً و بطور کلی هر فعلی-جرم محسوب نمی‌شود، چنانکه هر ضرری هم موجب ضمان نمی‌باشد. بلکه زمانی یک فعل جرم به حساب می‌آید که دارای شروط معین و مصدر التزام باشد. مثلاً اتلاف هنگامی موجب ضمان است که بالمباشره یا بالتسبیب، متضمن تجاوز و اضرار به غیر باشد. لذا تحقق مسؤلیت عمل مجرمانه یا وجوب ضمان باید شرایط ذیل را دارا باشد:

- ۱- آن عمل مضر باشد.
 - ۲- ضرر از طریق تجاوز و من غیر حق وارد شود.
 - ۳- ضرر بالمباشره یا بالتسبیب باشد.
 - ۴- عمل از روئی عمد و قصد انجام شود.
- شایان ذکر است که مراد از تعمد در شرط چهارم قصد تنها نیست و شامل تقصیر و عدم تحرز هم می‌شود.^(۷)

و اما چون محور گفتگوی ما در این مقاله، بررسی مسأله تسبیب است از شرایط چهارگانه مذکور، تنها در اطراف بند ۳ بحث به عمل می‌آید و پیرامون سایر شروط، توضیح مبسوطی داده نمی‌شود.

رابطه میان ضرر و جرم

باید دانست که اصولاً در صورتی ارتکاب جرم موجب ایجاد مسؤلیت است که ضرر حاصله نتیجه این عمل مجرمانه باشد. لذا علمای حقوق ضرر به وجود آمده از جرائم را به

سه نوع تقسیم کرده‌اند:

۱- اضرار با مباشرت مجرم

۲- اضرار تسبیبی که رابطه سبب با جرم متصل و ظاهر باشد.

۳- اضرار تسبیبی که رابطه سبب با جرم غیرمتصل و بعید باشد.^(۸)

بدین ترتیب مجرم از این لحاظ که جرم را خود و بطور مستقیم به عهده گیرد یا اینکه به واسطه و بطور غیرمستقیم عهده‌دار شود بر دو قسم است: مجرم بالمباشره و مجرم بالتسبیب.

الف- مجرم بالمباشره

هر گاه دو یا چند نفر موجب ورود خسارتی به دیگری شوند، آنکه بین عمل او و خسارت حاصله واسطه‌ای نیست او را مباشر گویند^(۹) در ماده ۳۱۷ قانون مجازات اسلامی آمده است "مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود جانی واقع شده باشد." بنابراین کسی که خود، بدون واسطه و بطور مستقیم مرتکب جرم شود و یا اینکه با واسطه عمل کند ولی آن واسطه آن چنان پوشیده و پنهان باشد که عرف نسبت بدان بی توجه بوده آن را نادیده گیرد، جرم بالمباشره انجام داده است. جرائم ذیل از جمله جرائم مباشری می‌باشند. انواع قتل‌ها اعم از خفه کردن با دست، کشتن یا مشت، کشتن با کارد، کشتن با شمشیر، کشتن با تفنگ، کشتن با نارنجک، بریدن سر، افروختن آتش و ایجاد حریق و یا از بین بردن مال غیر و یا سرقت، نوشیدن شراب، قطع اعضاء و امثال اینها.

ب- مجرم بالتسبیب

مجرم بالتسبیب مجرمی است که جرم را با واسطه مرتکب شود یعنی میان عمل او و نتیجه مجرمانه واسطه باشد چنانکه اگر واسطه وجود نمی‌داشت جرم واقع نمی‌گردد مثل اینکه شخصی چاهی را در جاده‌ای حفر کند و شخص دیگری روی آن چاه را با شاخه‌های

درخت پیوشاند و شخص ثالثی بدون توجه به داخل آن چاه افتد. در این مثال حافر چاه سبب ورود خسارت را فراهم آورده است. ولی قبل از تأثیر بخشی عملی این سبب، شخص دیگری با پوشانیدن روی چاه، وارد عمل گردیده است و این استتار در وارد آمدن زیان به شخص ثالث تأثیر داشته است. یا اگر ولی از مولی علیه خود مراقبت لازم را به عمل نیاورد و در نتیجه مولی علیه ضرری را به دیگری وارد آورد. یا اینکه صاحب حیوان از حیوان مواظبت نکند بطوری که آن بتواند به شخص یا مزرعه کسی زیان وارد کند. و بالاخره ممکن است تسبیب بدین‌گونه رخ دهد که کسی چوپانی را بر خلاف قانون زندانی نماید و در نتیجه این کار، چوپان نتواند از احشام تحت نگاهداری خود مراقبت به عمل آورد و این امر سبب حمله‌ور شدن گری و دیگر حیوانات وحشی به احشام گردد و تعدادی از آنها را از بین ببرد. (۱۰)

فرق میان اتلاف و تسبیب

اتلاف عبارت است از بین بردن مال دیگری کلاً یا بعضاً بطوری که فعل منشأ اتلاف به وسیله خود فاعل به هدف هدایت شده باشد (مانند تحریک سگ درنده به دریدن لباس عابری) یا فعل مزبور مستقیماً (به وسیله آلت یا بدون آلت) به هدف وارد شده باشد مانند شکستن پنجره دیگری با سنگ یا با دست. عمد و عدم عمد و قصد و عدم قصد نسبت به مسؤولیت مدنی تلف‌کننده فرقی ایجاد نمی‌کند. (۱۱)

میان اتلاف و تسبیب دو فرق اساسی وجود دارد:

۱- در اتلاف فعل مثبت بدون واسطه موجب ورود خسارت می‌باشد مثل اینکه کسی شیشه پنجره اطاقی را با سنگ بشکند. در حالی که در تسبیب فعل (مثبت یا منفی) به واسطه امری موجب ورود خسارت می‌شود. مثل اینکه کسی مانعی در کوچه‌ای به وجود آورد تا اشخاص هنگام عبور به آن برخورد نمایند و به زمین بخورند و دست و پای آنها زخمی شود و یا اینکه صاحب سگ از سگ مراقبت لازم را به عمل نیاورد بطوری که بتواند به

عابری حمله کند و او را زخمی نماید.

۲- در اتلاف، شخصی که از روی عمد یا من غیر عمد مالی را تلف می‌کند مسؤول است، در حالیکه در تسبیب، شخصی که سبب ورود خسارت شده و به دیگری ضرر رسانیده یا مال او را از بین برده در صورتی مسؤول است که احتیاطات لازم را به عمل نیاورده و در فعل خود مرتکب تقصیر شده باشد. چنانکه اگر کسی با دقت لازم آهویی را هدف بگیرد و گلوله از آهو بگذرد و به چوپانی که در آن حوالی بوده اصابت نماید، ضارب من غیر عمد موجب ورود خسارت و تلف شده و مسؤول است هر چند احتیاطات لازم را معمول داشته و تقصیری مرتکب نشده است. در حالی که اگر سگی علی‌رغم مراقبت صاحب آن، افسار خود را از دست صاحب رها کند و عابری را مجروح نماید صاحب سگ مسؤول نمی‌باشد زیرا هر چند سبب ورود خسارت شده ولی صاحب آن تقصیری را مرتکب نشده است. این است که ماده ۳۳۴ قانون مدنی می‌گوید: مالک یا متصرف حیوان مسؤول خساراتی نیست که از ناحیه حیوان وارد می‌شود مگر اینکه در حفظ حیوان تقصیر کرده باشند. لکن در هر حال اگر حیوان به واسطه عمل کسی منشأ ضرر گردد فاعل آن عمل مسؤول خسارات وارده خواهد بود. نتیجه اینکه در تسبیب عنصر تقصیر شرط مسؤول خسارات وارده خواهد بود. در حالیکه در اتلاف عنصر مذکور شرط مسؤولیت به حساب نمی‌آید.

بنابراین اگر کسی به دیگری زیانی وارد کند باید خسارت آن را بپردازد و چنانکه آن زیان توسط چند شخص به بار آمده باشد هر گاه همه آنها در به وجود آمدن آن ضرر بطور مساوی مؤثر باشند همه آنها به تساوی مسؤول جبران خواهند بود، ولی اگر قدرت تأثیر آن اشخاص در به وجود آمدن ضرر یکسان نباشد نمی‌توان همه آنان را بطور مساوی قلمداد نمود و به ناچار لازم است هر یک از آن اشخاص را به میزان نیروی تأثیرش در پیدایش آن زیان، مسؤول جبران خسارت دانست. البته تشخیص مقدار تأثیر هر یک از افراد به عهده دادگاه است که در صورت لزوم از وجود کارشناس استفاده می‌کند. (۱۲)

انواع تسبیب

تسبیب بر دو نوع است: تسبیب با تصرف مالکانه و بدون تصرف مالکانه.

۱- تسبیب با تصرف مالکانه - مثل اینکه کسی در ملک خود میخی بکوبد و یا سنگی قرار دهد و در نتیجه شخص دیگری که بدعوت صاحب ملک وارد آن شده است بدون علم و قصر پایش به میخ یا سنگ بخورد و مجروح گردد، اگر این تصرف متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود نباشد مسؤلیت بر عهده کوبنده میخ یا گذارنده سنگ است و ضمان متوجه او می‌گردد این است که ماده ۱۳۲ قانون مدنی مقرر می‌دارد "کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد.

۲- تسبیب بدون تصرف مالکانه: مثل اینکه شخصی دیگر را تهدید کند تا به شخص ثالثی ضرر برساند ماده ۳۳۲ قانونی مدنی در این رابطه می‌گوید: "هر گاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود، مباشر مسؤل است نه مسبب، مگر اینکه سبب اقوی باشد، به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد."

شایان ذکر است که تسبیب را نیز می‌توان به دو قسم ذیل تقسیم نمود:

تسبیب ناشی از ارتکاب بی احتیاطی و غفلت و تسبیب ناشی از بی احتیاطی و غفلت.

۱- تسبیب ناشی از بی احتیاطی و غفلت مثل عدم مراقبت و احتیاط در نگهداری سگ خود و وارد آمدن آسیب از سگ به شخص عابر.

۲- تسبیب ناشی از بی احتیاطی و غفلت مثل مورد مذکور در ماده ۳۳۲ قانون مدنی. نتیجه اینکه برای تحقق تسبیب لازم نیست که از ضرر زنده به وجود آید. همچنانکه در مورد اتلاف هم ممکن است اتلاف‌کننده از روی بی احتیاطی و بی مبالاتی موجب ورود خسارت به غیر گردد مثل راننده بی احتیاط و بی مبالاتی که موجب تصادف می‌شود. لذا بی احتیاطی در قلمرو اتلاف هم دیده می‌شود. (۱۳)

موضوع تسبیب

در باب موضوع تسبیب دو نظریه وجود دارد. عده‌ای را عقیده بر آن است که موضوع تسبیب باید مال باشد یعنی برای تحقق تسبیب باید به مال محسوسی خسارت وارد شود و اگر خسارتی به آن وارد نیاید و فی‌المثل منفعتی از دست برود تسبیب به وجود نمی‌آید. عده‌ای دیگر را نظر بر این است که موضوع تسبیب می‌تواند عدم‌المنفع هم باشد چنانکه اگر کارگری برای پیدا کردن کار از خانه خود بیرون رود و شخص دیگری او را به صورت غیر قانونی حبس کند و در نتیجه کارگر نتواند کار پیدا کند، کارگر می‌تواند از باب تسبیب مطالبه خسارت کند.

تزامم در اجتماع سبب و مباشر

هر گاه بین مدلول دو دلیل در مرحله تشریح و قانونگزاری تدافع و تمانع وجود نداشته باشد ولی در مرحله اجرا و امتثال آن دو، در بعضی از موارد اشکال پیش آید، به این معنی که اجرا هر دو با هم میسر نباشد و اجرای یکی مانع از اجرای دیگری باشد در این صورت می‌گویند بین دو دلیل مزاحمت وجود دارد و این وضع را تزامم دو دلیل می‌نامند.^(۱۴) لذا در تزامم و اجتماع سبب و مباشر سه فرض مطرح می‌شود:

۱- سبب از مباشر اقوی باشد: مثل کسی که مال خود را به تصرف مجنون یا صغیر غیرممیز می‌دهد و آن مال تلف یا ناقص می‌شود؛ چه بر اساس قرارداد معوض باشد و چه بر پایه امانت. در این مثال چون آن شخص عالماً به زیان خود اقدام کرده است نمی‌تواند از بابت تلف یا نقص، خسارت مطالبه کند و او خود مسؤول است.^(۱۵) یا اینکه شهود بر خلاف واقع در دادگاه بر ضد کسی شهادت دهند و قاضی بر اساس شهادت آنان حکم بدهد و او را محکوم کند.

در اینجا قاضی مباشر در تضييع مال محکوم علیه می‌باشد ولی فی‌الواقع شهود سبب و ضامن هستند، یا کسی خوراکی را مسموم کند و شخص دیگری از روی اشتباه آن خوراک

را به یک نفر بدهد و در نتیجه وی از بین برود؛ در این مثال مسموم کننده که سبب نامیده می‌شود ضامن می‌باشد.

۲- مباشر از سبب اقوی باشد: مثل اینکه کسی سارقی را در سرقت راهنمایی کند در این صورت سارق مسؤول است نه راهنما. یا شخصی چاهی را حفر کند تا شخص معینی در آن بیفتد لکن یک نفر شخص دیگری را در آن چاه بیفکند و به او آسیب رسد در این صورت کسی که دیگری را در چاه افکنده ضامن است.

۳- سبب و مباشر مساوی باشند: چنانکه کسی از دست ظالمی فرار کند ولی شخص دیگری او را بگیرد و به ظالم تحویل دهد تا بکشد یا شخصی انسانی را نگاه دارد تا دیگری او را به نعل برساند. در این مثله گیرنده و نگاهدارنده سبب و کشنده مباشر است و هر دو ضامن و مسؤول می‌باشند.

شایان ذکر است که اگر دو یا چند نفر در ارتکاب جنایتی به نحو سبب تأثیر داشته باشند کسی که کار او زودتر در تأثیر جنایت دخالت داشته باشد ضامن است. این است که ماده قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد "هر گاه دو نفر عدواناً در وقوع جنایتی به نحو سبب دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب دیگری باشد ضامن خواهد بود مانند آن که یکی از آن دو نفر چاهی حفر نماید و دیگری سنگی را در کنار آن قرار دهد و عابر به سبب برخورد با سنگ به چاه افتد، کسی که سنگ را گذارده ضامن است و چیزی به عهده حفرکننده نیست و اگر عمل یکی از آن دو عدوانی و دیگری غیر عدوانی باشد فقط شخص متعدی ضامن خواهد بود."

مثل اینکه حفر کننده، چاه را در ملک متعلق به دیگری حفر کرده باشد در این صورت چون حافر متعدی است پس ضامن است.^(۱۶) لازم است ذکر شود که اگر دو یا چند نفر با هم موجب ورود خسارتی شوند و تشخیص تقدم و تأخر آن سبب در ارتکاب جرم ممکن نباشد، همه مسببین مسؤول خواهند بود. به استناد قانون مجازات اسلامی "هر گاه چند نفر با هم سبب آسیب یا خسارتی شوند بطور تساوی عهده دار خسارت خواهند بود." مثل

اینکه دو یا چند نفر بطور مشترک و مساوی چاهی را در ملک دیگری حفر نمایند و بر اثر این عمل شخصی در این چاه سقوط کند و مجروح یا کشته شوند. در این صورت اشخاصی که چاه را کنده‌اند بطور مساوی ضامن می‌باشند.^(۱۷)

فرق مسؤولیت مباشر و سبب در ضمان کیفری

در امور مدنی اهلیت فاعل شرط نمی‌باشد بدین معنی که اگر خسارت توسط صغیر یا جنون و یا غیر رشید وارد آید ولی یا قیم و سرپرست که تقصیر در نگهداری آنان دارند، باید از عهده آن خسارت برآیند در حالی که در مسؤولیت کیفری مباشر و سبب در صورتی ضامن می‌باشند که دارای اهلیت بوده و «صغیر و مجنون» نباشند. در غیر این صورت خسارت واردکننده مسؤول نیست. موارد زیر از جمله مواردی می‌باشند که آسیب‌رساننده، اعم از بالمباشره یا بالتسبیب، ضامن نیست:

- ۱- هر گاه شخص برای دفاع از خود به دیگری آسیب برساند، مثل اینکه حیوانی به کسی حمله کند و او به عنوان دفاع از خود به مقدار لازم او را دفع نماید ولی همین دفاع موجب ورود آسیب به حیوان شود.
- ۲- آسیب‌رساننده بالغ نباشد.
- ۳- آسیب‌رساننده مجنون باشد.
- ۴- ضرر بر اثر تعدی یا تفریط نباشد.
- ۵- خسارت بر اثر یکی از عوامل طبیعی مثل زلزله و طوفان، سیل و... باشد.

مستندات قاعده تسبیب

در باب مستندات قاعده تسبیب چند روایت از امام صادق علیه‌السلام منقول است که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود:

الف- روایت صحیح ابی الصباح الکنانی: که می‌گوید از امام صادق (ع) سؤال نمودم کسی که

چیزی را در راه دیگران قرار دهد بطوری که مرکب آن شخص در برخورد با آن رم کند و صاحبش را به زمین زند چگونه است؟

امام صادق فرمودند: کل شیء یضر بطریق المسلمین فصاحبه ضامن لما یصبه. هر چیزی که در راه مسلمین به آنها ضرر زند صاحب آن چیز ضامن خسارات وارده خواهد بود. ^(۱۸) این روایت در وسائل الشیعه باب نهم از مویجات ضمان ذکر گردیده و در جلد دوم خود آموز لعمه ^(۱۹) بطریق دیگری ذکر شده است، من اضر بشی، من طریق المسلمین فهوله ضامن یعنی هر کس به هر نحوی در راه مسلمین ضرر زند ضامن خواهد بود.

ب- روایت صحیحه زواره: که نقل می کنند: از حضرت صادق (ع) سؤال نمودم کسی که چاهی در غیر از ملک خویش حفر کند و عابری در حین عبور در آن بیفتد چگونه است؟ حضرت فرمودند: علیه ضمان، لان کل من حفر من غیر ملکه کان علیه ضمان. یعنی حفرکننده چاه ضامن است. چون تعدی نموده و چاهی در ملک غیر خود حفر نموده است و در ادامه این خبر در وسائل خبری دیگر از مرقئ سماعه است که از حضرت صادق (ع) نقل می کنند که از حضرت سؤال نمودم اگر کسی در ملک خودش چاهی حفر کند و شخصی در آن بیفتد چگونه است؟ امام صادق فرمودند: اگر چاه در ملک خویش باشد ضامن نیست ولی اگر چاه در معبر عمومی یا ملک غیر حفر شده باشد و کسی در آن بیفتد، ضامن است.

ج- روایت مسکونی: که می گویند حضرت صادق فرمودند: من اخرج میزاً یا اوکنیفاً او اوتد و تداً او اوثق دابه او حفر بئراً فی طریق المسلمین فاصاب فعضب فهوله ضامن. هر کسی که ناودانی یا گودالی یا چاهی در راه مسلمین ایجاد کند یا میخ یا افسار مرکبش را در راه بکوبد و کسی به آنها اصابت کند و به زمین بیفتد، مرتکب ضامن است. ^(۲۰)

نتیجه

تسبیب در موارد ذیل به وجود می آید.

۱- کسی در صدد ورود خسارت به دیگری برمی آید و شخص دیگری را وادار به این

- عمل می‌کند.
- ۲- شخص موجب به وجود آمدن سبب خسارت شود ولی شخص دیگری بدون اجبار از طرف شخص اول دخالت کند و این دخالت باعث ورود خسارت گردد.
- ۳- ولی از بولی علیه مراقبت لازم را به عمل نیاورد و مولی علیه به دیگری زیان وارد کند.
- ۴- صاحب حیوان از حیوان مراقبت کافی نکند و حیوان موجب ورود خسارت شود البته باید توجه داشت که برای عدم ورود خسارت جلوگیری از فعل خسارت واردکننده کفایت می‌کند چنانکه شخصی به اندازه کافی از سگ خود مراقبت به عمل نیاورد و آن سگ رها شود در این صورت می‌توان جلو سگ رها شده را گرفت تا خسارت احتمالی به وجود نیاید.
- ۵- شخص بطور غیرقانونی، شخص دیگری (مثل نگهبان یک انبار) را حبس کند و در نتیجه دزدان اقدام به سرقت (مثلاً اجناس موجود در انبار نمایند).

منابع و یادداشتها

- ۱- فرهنگ نفیسی (ناظم الاطباء)، انتشارات کتابفروشی خیام
- ۲- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر: ترمینولوژی حقوق، تهران، ۱۳۶۳، شماره ۲۸۱۴.
- ۳- ترمینولوژی حقوق، شماره ۲۸۱۴، و نیز ولاتی، عیسی: فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، تهران، ۱۳۷۴، ص ۲۱۱.
- ۴- فیض، دکتر علیرضا: تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۵، ص ۲۰۶ و نیز مرعشی، سید محمد حسن: شرح قانون حدود و قصاص، انتشارات چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۵، ص ۱۲۵.
- ۵- ترمینولوژی، شماره ۳۷۲۸، انتشارات گنج دانش
- ۶- صلیبا، دکتر جمیل: فرهنگ فلسفی، ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی، نشر نی، ۱۳۶۶، ص ۳۸۷.

- ۷- محمصانی، دکتر صبحی: قوانین فقه اسلامی، ترجمه جمال الدین جمالی، سازمان چاپ آبان، جلد ۱، تهران، ۱۳۵۸، ص ۲۵۳.
- ۸- همان، ص ۲۶۷.
- ۹- ترمینولوژی، شماره ۲۸۱۴.
- ۱۰- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر: دائره المعارف حقوق مدنی و تجارت، چاپ مشعل آزادی بنیاد راستار، جلد اول، تهران، ۱۳۵۷، ص ۸۰۳-۸۰۴.
- ۱۱- ترمینولوژی، شماره ۳۱.
- ۱۲- امامی، دکتر سید حسن: حقوق مدنی، جلد ۱، انتشارات کتابفروشی اسلامییه، تهران، ۱۳۵۱، ص ۳۹۲-۳۹۵.
- ۱۳- دائره المعارف حقوق مدنی و تجارت، ص ۸۰۶.
- ۱۴- ترمینولوژی حقوق، شماره ۱۲۱۰.
- ۱۵- ماده ۱۲۱۵ ق.م. قانون مدنی.
- ۱۶- غضنفری، سید مهدی: خودآموز لمعه، انتشارات برهان، تهران، ۱۳۵۶، ص ۵۸۷.
- ۱۷- مرعشی، سید محمد حسن: شرح قانون حدود و قصاص، همان، ص ۱۵۲.
- ۱۸- شهابی، محمود: قواعد فقه، چاپ پنجم، انتشارات فرید، تهران، فروردین ۱۳۴۱، ص ۹۴.
- ۱۹- خودآموز لمعه: ص ۵۸۲.
- ۲۰- همان، ص ۵۸۲ و ۵۸۷.
- توسیع در موارد ذیل به وجود می آید، و در کتابها ۸۲۷۳، ماده ۵۲۱، ص ۵۲۱.
- توسیع در موارد ذیل به وجود می آید، و در کتابها ۸۲۷۳، ماده ۵۲۱، ص ۵۲۱.